

رهبر انقلاب در دیدار جوانان شرکت کننده در کاروان های راهیان نور:

عزت و اقتدار امروز مرهون دفاع مقدس است

صفحه ۲

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶ | ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۳۹ | ۱۱ مارس ۲۰۱۸ | سال دهم | شماره ۲۳۹۸ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

۱۱۷۹ سال و ۱۰۴ روز گذشت

پیشروی های گسترده نیروهای مقاومت در غوطه شرقی دمشق

تروریست ها خواستار مذاکره با دمشق شدند

صفحه ۱۵

VATAN-E-EMROOZ | Vol.10 | No.2398 | Sat.Mar.11,2018 | ISSN:2008-2886

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



عناصر فرقه شیرازی در سایه اهمال مشکوک پلیس و دستگاه های امنیتی انگلیس
به سفارت ایران در لندن حمله کرده و برای ۳ ساعت بخشی از ساختمان سفارت را اشغال کردند

دم الیزابت بیرون زد

صفحه ۲



تیتراهای امروز

حمله وزیر راه به استیضاح کنندگان

■ سقوط هواپیمای آسمان، فاجعه بر خورد ۲ قطار در سمنان، سوء مدیریت و رکود مسکن محورهای استیضاح عباس آخوندی است



صفحه ۳

اظهارات تیلر سون، دروغ واشنگتن درباره مطرح شدن دعوت ملاقات مستقیم از سوی رهبر کره شمالی را فاش کرد

ترامپ منتاوان هسته ای را کشید

صفحه ۱۵

بهرغم اعتراضات گسترده، انگلیس قرارداد تسلیحاتی جدیدی با رژیم سعودی امضا کرد

شرمساری ملی برای «می»



صفحه ۱۵

«ملی گرا» شهدا بودند

■ حسین قدیانی

و با نام «شهدای خیبر و بدر» بر سر «شهدای کربلا» یگزار فاش بگویم؛ آنکه حرمت شهدا و خانواده شهدای مدافع حرم را رعایت نمی کند و در مواجهه با خون و البته خون دل این عزیزان، سخن در نهایت وقاحت می گوید، در وهله اول دارد شهدای دفاع مقدس را سرزنش می کند! که «بابا کبر» ها و «لباسی» ها ریشه در یک مکتب دارند! مکتب مقدس دفاع! و جهاد! و مقاومت! و ایستادگی! و بیرون کردن دشمن از خاک وطن! و بیرون نگه داشتن دشمن از خاک وطن! آیا مسخره تر از این هم می شود که کسی مدعی شود «من قاسم سلیمانی کربلای ۵ را قبول دارم اما قاسم سلیمانی امروز را نه؟! و مگر چه فرقی کرده دیروز و امروز سردار ما؟! الا آنکه امروز، با جهاد بیشتر و مظلومیت بیشتر و غربت بیشتر و سختی بیشتر و تحریم بیشتر و تهدید بیشتر و صدا البته جنگی به مراتب سخت تر و دشوار تر، لذت زندگی را بر خود و بر همسنگران خود حرام کرده تا اصلا و اساسا قدوم دشمن، نتواند امن و امان ما را ویران کند؟! این ایثار، آیا قدرانی می خواهد یا زخم زبان؟! اتفاقا امثال سلبریتی ها که بیشترین بهره را از لذایذ ظاهری دنیا می برند، بیشتر باید شاکر مجاهدت مدافعان حرم باشند و الا مادران و پدران و همسران و فرزندان شهدا و رزمندگان مدافع حرم که غالباً در مناطق جنوب شهر زندگی می کنند، مگر چه جایی از این دنیا را اشغال کرده اند؟! والله انصاف هم خوب چیزی است! در همه جای دنیا، من جمله خود غرب، سلبریتی ها بیشترین احترام را برای سربازان مدافع امنیت می گذارند و اگر آن سرباز، از جان خود هم گذشته باشد، که بسی بیشتر! آن وقت اینجا با غریزده هایی طرف هستیم که از غرب، فقط آنچه را می گیرند که به نفع شان باشد! و شگفتا! رسماً در روزنامه های زنجیره ای، از ضرورت ترویج قاسم سلیمانی، قلم فرسایی می کنند! و علناً لوگوی خود را با رنگ پرچم تکفیری ها ست می کنند! و در فردای شهادت سردار مدافع حرم، تیترا می زنند «سرتیپ حسین همدانی در سوریه کشته شد!» طرفه حکایت اینجاست: در حالی متأثر از واکنش ها، همین که قافیه را تنگ می بینند، مایه از دین خود به ۸ سال دفاع مقدس می گذارند که گویی همین حاج حسین همدانی، رزمنده تام و تمام روزگار جنگ نبود! پس بعضی ها اساساً با احترام و قدردانی و بدیهیات ادب و الفبای معرفت، مشکل دارند، نه شهدا و خانواده شهدای مدافع حرم! به آثاری که جماعت، آفریده اند نگاه کنید!

ادامه در صفحه ۵

نگاه امروز

آنجا که مثل همین متن، ضرورت داشته باشد، اصلاً بیمی ندارم که به فرزند شهید بودن خود، اشاره کنم! قطعاً پدر را نزدیکان خود کردن، خط قرمز پررنگ من است اما تا جایی در این بدن هست و تا جوهری در این قلم، حتماً «بابا کبر» را خرج راهی می کنم که خودش قبل از من، جانش را برای پیمودن آن گذاشت! و این راه، استعاره دیگری از حیات طویه شهدا می دالم که درست از لحظه شهادت شان آغاز می شود! پس نوشتن من از پدر شهیدم، هم نوشتن از یک افتخار است، هم یک نوشتن با افتخار!

الغرض! در این متن، بیشتر یک فرزند شهید دوران سراسر فخر دفاع مقدس هستیم، تا یک روزنامه نگار! راستش را بخواهی؛ چه از منظر احساس و چه از بعد منطق، فکر می کنم و صدا البته اعتراف می کنم که سختی کار خانواده شهدای مدافع حرم، از امثال ما خانواده شهدای دهه ۶۰ بیشتر است! این درست که ما هم زخم سهمیه را دشت کردیم و حتی برای یک توپ چهل تکه پیزوری، طعنه ها شنیدیم لیکن مظلومیت شهدا و خانواده شهدای مدافع حرم، بسی بیش از ماست! خودت را بگذار جای مادری که جگر گوشه اش را فرستاد سوریه تا داعشی لعین، در همان سنگر ابتدایی، متوقف بماند و هرگز پایش به خاک پاک وطن نرسد! حالا دگر بار خودت را بگذار جای مخاطب زخم زبان «مدافعان اسد»! نه! ما بخواهیم هم نمی توانیم بفهمیم بعضی دردها را! طرف که عنوان «سلبریتی» بر خودش گذاشته، برداشته مدعی شده که اقلاً بخشی از مردم، نسبت به شهدای مشهور به مدافع حرم، هم ذعنیت دارند و هم اعتراض! و بعد که واکنش ها را دیده، رفته در جلد مغلطه و فرافکنی، که «من خودم عاشق شهدای دفاع مقدس هستم و همیشه مدیون آنها» پس حق دارم در این متن، بیشتر یک فرزند شهید از قضا دهه شصتی باشم، تا یک روزنامه نگار! هیهات! همه شهدای ما، شهید دفاع مقدس هستند! از همین شهدای اخیر خیابان پاسداران بگیرد تا شهدای مدافع حرم، تا شهدای هسته ای، تا شهدای امنیت در شهرها و مرزها، تا حسین غلام کبیری و امیرحسام ذوالعلی که شهدای دفاع از مردم سالاری و قانون بودند، تا شهدای ترور و حتی شهدای مقطع منتهی به انقلاب، همه و همه شهدای دفاع مقدس هستند! و مثل شهدای ۸ سال جنگ تحمیلی، واجباً احترام! بعضی ها توهم زده اند امروز هم مثل دوران صدر اسلام است که با اسم «محمد» بر فرق «علی» بکوبی

دیدگاه

فمینیسم و آرزوی مادری زنان

■ ابوالفضل اقبالی

امروز در حالی منشور حقوق بشر سازمان ملل همچون یک پتک تبلیغاتی بر سر کشورهای اسلامی کوبیده می شود که کشورهای غربی و نظام سرمایه داری، خود بزرگ ترین ناقضان حقوق بشر هستند. یکی از مصادیق نقض حقوق بشر توسط کشورهای غربی در مساله حقوق و شخصیت زنان است. نظام سرمایه داری با وضع हजारها بر مبنای منویات خود در زمینه حقوق و وظایف زنان و نیز حمایت و ایجاد جنبش های فمینیستی و دفاع از حقوق زنان به دنبال بیرون راندن زنان از خانه و کاشاندن این نیروی کار ارزان به بازارهای کار و تولید است که این پدیده آبستن آسیب ها و لطمات فراوان بر پیگر خانواده، جامعه و شخصیت زنان است. امروز زنان غربی که به مدد جنبش های فمینیستی در ظاهر به حقوق و آزادی های اجتماعی و سیاسی دست یافته اند، زندگی خود را مواجه با تعارضات نقشی متعدد و آسیب های فردی و اجتماعی زیادی می بینند، لذا این نوشتار بر آن است تا تناقضات نظام سرمایه داری در زمینه نقض حقوق زنان را تبیین کند.

الف- خانواده در غرب

در موج دوم، نگاه اکثریت فمینیست ها به خانواده بسیار انتقادی بود و بیشتر به نقش خانواده در فرودستی زنان توجه می کردند. استدلال آنها این بود که موقعیت زنان به عنوان همسر و مادر و همچنین فرایند جامعه پذیری در خانواده که نگرش های به نسل های بعد منتقل می کنند، نقش اصلی را در فرودست سازی زنان و تداوم تقسیم کار جنسیتی و روابط قدرت میان زن و مرد دارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۲)

«سیمون دوبوار» یکی از تاثیرگذارترین رهبران جنبش فمینیسم و مؤلف کتاب جنس دوم می گوید: «هیچ زنی نباید مجاز باشد در خانه بماند و فرزندانش را بزرگ کند. جامعه باید به طور کامل متفاوت شود. زنان نباید حق انتخاب داشته باشند دقیقاً به این دلیل که در صورت داشتن حق انتخاب، بسیاری از آنها سرگرم همان کارهای پیشین می شوند...».

ادامه در صفحه ۵